



مکارم شیرازی: چطور اجازه می‌دهید ضد حوزه دروغ بگویند

اعتراض ۲ مرجع تقلید به رحیم پورازغدی

گروه سیاست: سخنان حسن رحیم‌پورازغدی درباره حوزه‌های علمیه همچنان حاشیه‌ساز است. او در ماه‌های اخیر دوباره به شدت به حوزه‌های علمیه تاخته و آنها را مروج سکولاریسم دانسته بود. باوجود انتقادات و اعتراضات برخی ...

صفحه ۲

پنجشنبه ۲۹ آذر ۱۳۹۷ • ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۴۴۰ • ۲۰ دسامبر ۲۰۱۸

تیتراها

جنجال مذاکرات محرمانه المهدی

صفحه ۵

حامیان قالیباف راه خود را جدا کردند

صفحه ۶

خاوری در حلقه اختلاس زنجان و درمانی

صفحه ۴

دولت و مجلس در مظان اتهام

صفحه ۱۵



ابطحی و جوادی حصار به واعظی پاسخ دادند

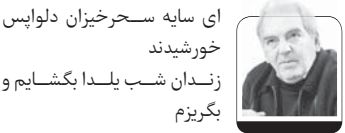
روحانی مدیون چه کسانی است

صفحه ۶

حرف اول

به مبارکی یلدا

غلامرضا امامی



ای سایه سحرخیزان دلواپس خورشیدند

زندان شب یلدا بگشایم و بگریزم

«سایه»

شبهه می‌کشید و می‌آمد اسب سفید وحشی،

سم صربه‌هایش بر برگ‌های سرد و زرد خزان

نلّوای خوش و خرم زندگی را می‌نواخت. از سد

ستبر زمان گذشته بود، از درازنای تابخ، در شط

پر شوکت و شکوه شب به پیش می‌آمد، به دل‌ها،

به خانه‌ها، اسب سفید وحشی. چه راه درازی

پیموده بود، می‌آمد، هر سال می‌آمد در درازترین

شب سال می‌آمد... می‌شکافت شب را و تاریکی

را اسب سفید وحشی، شعله زبانی امید را فروزان

می‌دارد و خستگان و شب‌زدگان را به بیداری و

نوید روز و نور بشارت می‌دهد اسب سفید وحشی.

یلدا اسب سفید وحشی در خور جیش مآنده

بهشتی یاقوتی انار را در پوسته‌ای سرخ و پوششی

سپید، پیشکش می‌کند و هندوانه گلگون را در

لباسی سبّز هدیه می‌دهد. با رسیدنش گرد هم

می‌آییم، شب سیاه را زبیا می‌سازیم و به صبح و

خورشید می‌رسانیم و می‌خواهیم فلک را سقف

بشکافیم و طرحی نو دراندازیم. نیسان ما در

دامنه البرز در شب یلدا بیدار می‌ماندند... آتشی

برمی‌افروختند و شادان و پایکوبان شب را به رشته

مهر به نور و روز و خورشید می‌رساندند؛ یلدا نوید

نور است و زادروز میترا. میلاد اله مهر و نور و

خورشید. در اوج سیاهی با دمیدن سبیده‌سحری

به مهر و ناز، خورشید از پشت کوه‌ها و میان دریاها

بالا می‌آید. به ناز سرک می‌کشد، به زمین سلام

می‌کند و به مهر نور می‌افشاند... سیاهی پایان

می‌یابد و روز آغاز می‌شود. پس از آن از طول شب

شکسته می‌شود و بر عمر روز افزوده، تا نوروز که

زمان روز و شب برابر می‌شود. تعادل بهاری و

هنگام عدل و داد فرامی‌رسد، در زیباترین لحظه

هستی زمین و زمان به هم کره می‌خورند...

زمین می‌گردد و می‌چرخد... سالی نو و روزی

نو آغاز می‌شود... نوروز. یلدا زمان را و زمین را به

عمونوروز می‌سپرد و می‌رود. فرزندان ایران‌زمین...

به شادی از دیرزمان هر کجا که باشند، این دو

رویداد و نیز سده و مهرگان را گرمی می‌دارند و

کرد هم می‌آیند... پدران ما که با طبیعت پیوندی

پگانه داشتند، تقویم طبیعی را برای زمان و زندگی

برگزیدند و همکام و همراه با گردش روزگار، بذر

شادی را پراکندید.

ادامه در صفحه ۴



روزنامه

سؤال لاریجانی از حراست مجلس

فیلم جلسه غیر علنی چطور منتشر شد؟

گروه سیاست: درگیری لفظی محمدباست درازهی، نماینده سراوان و کارمند کمرک طوری جنجال به پا کرد که حاشیه‌های آن همچنان ادامه دارد. نماینده‌ای که با لکسوس به کمرک رفت و بعد از کلی داد و بیداد طبلکار شده است. اگرچه فرهاد دژپسند...

صفحه ۱۵

سال شانزدهم • شماره ۳۳۲۱ • ۱۶ صفحه • ۲۰۰۰ تومان

سرمقاله

تاریک و روشن «پژوهش»

سیداحمد معتمدی
رئیس دانشگاه صنعتی امیرکبیر



هفته پژوهش و فناوری است.

نگاهی به پژوهش در کشور، نقاط

قوت و ضعف آن را نشان می‌دهد.

خوشبختانه در سال‌های گذشته،

پیشرفت‌هایی در زمینه پژوهش

رخ داده و شاخص‌ها نیز این را نشان می‌دهد. معمولاً

چند محور تحقیقاتی وجود دارد که شامل تحقیقات

بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای است. ایران در تحقیقات

بنیادی و کاربردی، وضعیت نسبتاً مناسبی دارد و در

دنیا هم در تولید علم (مقالات و کارهای تحقیقاتی)

رشد داشته‌ایم و خروجی بسیار مهمی از تحقیقات

ما به دست آمده است. به‌تازگی نیز ایران به‌عنوان

پانزدهمین کشور در تولید علم و در رشد علمی

اولین کشور دنیا معرفی شده است. بخش مهمی

از این دستاوردها، نتیجه کار تحقیقاتی در دانشگاه‌های

کشور است. بااین‌حال نقطه‌ضعف تحقیقات، مربوط

به تحقیقات بنیادی است؛ برای مثال تحقیقات

توسعه‌ای نیازمند ورود به چرخه اقتصاد است.

این مورد فقط به دانشگاه‌ها برنمی‌گردد. مشکلاتی

در توزیع، خدمات و همچنین ساختار دانشگاه‌ها

وجود دارد و علاوه بر این، در سیاست‌گذاری‌ها و

برنامه‌ریزی‌های کلان نیز کاستی‌هایی دیده می‌شود

که مجموعه اینها باعث شده آن‌طور که بایدوباشد،

از نتایج تحقیقات در کشور بهره گرفته نشود. این

نقطه‌ضعف بزرگی است که حتماً باید برای رفع آن

کوشید. لازمه اینکه دانشگاه به سمت تحقیقاتی برود

که برای کشور مؤثر باشد و منتج به مقاله و کارهای

علمی‌توریک نشود، این است که تقاضا برای

دانشگاه‌ها وجود داشته باشد.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

نقبی بر وضعیت پژوهش در کشور

اشرف بروجردی



آخرین هفته آذر هرساله

به نام هفته پژوهش نام‌گذاری

شده است تا فرصتی باشد

برای تکریم پژوهشگران و

نگاهی به جایگاه پژوهش

در کشور؛ چراکه برای رسیدن به توسعه

نیازمند برنامه‌ریزی و برای برنامه‌ریزی صحیح

نیازمند پژوهش هستیم. چنانچه برنامه بدون

بهره‌مندی از نتایج پژوهشی باشد، اتر می‌شود؛

زیرا واقعیت‌ها تنها از خلال پژوهشی آشکار

می‌شود. پژوهش هم معمولاً با یک پرسش آغاز

می‌شود، خلا داشتن اطلاعات یا انگیزه‌ای برای

بیشتر دانستن. تقریباً امروزه هیچ‌یک از نهادهای

اجرایی بدون برخورداری از مراکز پژوهشی

وابسته به خود تعریف نمی‌شوند. به‌همین‌دلیل

در تخصص اعتبارات هر دستگاه، قانون برنامه

و بودجه چنین مصوب کرده که درصدی از

اعتبارات هر دستگاه باید در اختیار پژوهش قرار

گیرد. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ازجمله

نهادهایی است که هم به لحاظ قانونی و هم در

ساختار و هم در حوزه عمل با پژوهش شناخته

می‌شود. غنای منابع علمی، اسناد قدیمی و سایر

منابع خطی و چاپی کتابخانه را به گنجینه‌ای از

دانش تبدیل کرده که اصحاب فکر و اندیشه و

محققان می‌توانند این پایگاه ارزشمند را به‌عنوان

خانه دوم خود تلقی کرده و گم‌شده‌های خود را

در اینجا به دست آورند.

ادامه در صفحه ۴



عکس: امیر چیدری

قربانیان نئولیبرالیسم

تحلیل یوسف اباذری از وضعیت فرهنگی، اقتصادی و سیاسی

صحبت‌های خود او آمده بودند؛ صحبت‌هایی

که در انتها محقق شد. آنچه می‌خوانید گزارش

«شرق» از نشست یوسف اباذری است که

امیدواریم سرعت در انتقال این جلسه موجب

لغزش در متن نشده باشد.

از سال ۶۸ به بعد برنامه‌ای در ایران اجرا شد که

به‌عنوان نئولیبرالیسم مشهور است. البته کسانی

این عنوان را قبول ندارند که اساساً اسامی مهم هم

نیست. در جهان این برنامه به عنوان نئولیبرالیسم

مشهور است. خبرنگار و روزنامه گرفته تا دانشگاه

این را به همین عنوان می‌شناسند و در اینجا هم

همه آن مفادی که در تمام جهان اجرا شد، اجرا

شد... حاصل آن هم همین ایران فعلی است. این

برنامه به همین جایی ختم شده که الان وضعیت

ماست. هیچ برنامه‌ای در ایران نوشته نشده که

این گروه اقتصاددان در آن شرکت نداشته باشد.

هیچ دولتی سر کار نیامده مگر اینکه آقایان در

برنامه‌ریزی آن دخالت نداشته باشند. به‌طور کلی

وضعیت امروز ایران دست‌بخت آنان است، البته با

توجه به شرایط ایران. آقایان طوری می‌گویند که

انکار این برنامه فقط اقتصادی است. می‌گویند نهاد

سیاست باید از نهاد اقتصاد جدا باشد، تا اقتصاد

بتواند کار خود را بکند. این برنامه فقط اقتصادی

نیست یا اصلاً نیست. من در کارهای اولیه خودم

گفتم این نوعی آیین است. افراد باور نکردند،

ولی الان می‌توانید ببینید که این آیینی است که با

همه جا کار دارد؛ یعنی در حیطه فرهنگ به‌شدت

دخالت کردند، آدم‌ها را پیدا کردند و با آنها صحبت

کردند و آن را زیرورو کردند. الان فرهنگ ایران

یعنی گیشه فرهنگ ایران. آموزش‌وپرورش یعنی

اینکه ۸۳ درصد دانشگاه‌ها خصوصی شده است.

آموزش‌وپرورش ایران هم به عبارتی بازاری شده

است، پولش را مردم می‌دهند.

گروه سیاست: «فاشیسم دم در ایستاده و منتظر

است»؛ این را اباذری می‌گوید. شنوندگانش را

نهیب می‌زند که فردا دیر است، بپاکنند حرف

خود از جذابیت‌های اوست. یوسف اباذری که

دوشنبه نشست را برای کسالت خود لغو کرده

بود، روز گذشته در «پژوهشگاه فرهنگ، هنر و

ارتباطات» حاضر شد تا شاگردان و همراهانش

طرحی را که زیر نظر او انجام داده بودند، ارائه

دهند. سالن حدود ۸۰ صندلی دارد که تماماً پر

است از چهره‌های اغلب جوان. مابقی‌دمی در

سالن یا در اتاق دیگری که برای علاقه‌مندان

آماده شده است، جمع آمده‌اند. مسئولی می‌گوید:

«همین صبح بود که حسام‌الدین آشنا هم اینجا

برنامه داشت؛ الان اما خیلی شلوغ‌تر است».

بعد از معارفه‌ای کلی، نشست با صحبت‌های

یوسف اباذری، استاد علوم‌اجتماعی دانشگاه

تهران، آغاز می‌شود. مختصری صحبت می‌کند و

میکروفون را به شاگردانش واگذار می‌کند. عنوان

طرح «بررسی انتقادی رابطه اقتصاد و فرهنگ

در ایران» است. شاگردان هریک حوزه‌ای را برای

بررسی تأثیر فرهنگی، یا به تعبیری غیراقتصادی،

سیاست‌های نئولیبرالی انتخاب کرده‌اند؛ سینما،

تلویزیون، مطبوعات، ورزش و خاورمیانه. یکی از

شاگردان برای ادامه تحصیل کشور را ترک کرده

است؛ اما مابقی کار خود را ارائه می‌دهند. آخرین

ارائه می‌ماند برای بعد از استراحت. شنوندگان این

فرصت را مغتنم می‌شمارند و دور اباذری حلقه

می‌زنند. قبل‌بند است با موهای جوگندمی، برخلاف

سخنرانی‌های آتشینش، در برخورد رودررو بسیار

مهربان و نرم است. یوسف اباذری به‌تازگی چشم

خود را عمل کرده است و حضورش در این نشست

شاید به دلیل اهمیتی بود که برای کار شاگردانش

قابل است. بسیاری از مخاطبان اما برای

سیاوش

سیاوش، قهرمان ایران‌زمین، از مادری تورانی

است؛ همو که نماد پاکی و نجابت، مظهر اخلاق

و شرافت است، همو که داستان زندگی‌اش در

جایی نیم‌نگاهی دارد به یوسف سامی؛ آنجا که

از سوسه سودابه می‌گریزد و دودیکر نیم‌نگاهی

دارد به ابراهیم بت‌شکن، آنجا که از میان کوه

آتش، سرخ‌روی و شادمان و پر نشاط می‌گذرد

و سده‌دیکر سوگ او همچنان در لایه‌های زیرین

ذهنی سوگواری‌های امروزمان به‌نوعی حضور

دارد. مادر سیاوش دختر زیباروی تورانی است که

نیمه‌شبان از چنگال پدر نابھشیار خود می‌گریزد و

و بر سر تصاحب او خصمانه روبه‌روی یکدیگر

قرار می‌گیرند و سرانجام دآوری به کاووس

می‌رسد و طبعاً آن که تصاحب می‌کند، کاووس

است و سیاوش ثمره و میوه این پیوند است.

...

به بیشه یکی خوب رخ یافتند

پر از خنده لب هر دو بشتافتند

بدو گفت گویا ای فریبده‌ماه

تو را سوی این بیشه چون بود راه

چنین داد پاسخ که من را پدر

بزد دوش و بگذاشتم بوم و بر

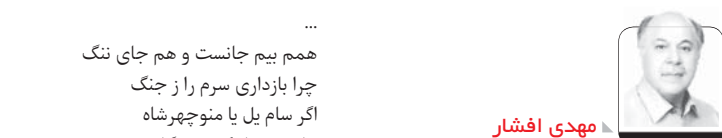
بدو گفت من خویش گرسبوزم

به شاه آفریدون کشد پیروزم

...

یادداشت

مادران غیر ایرانی قهرمانان شاهنامه



مهدی افشار

چند سالی است برای یاری‌رساندن به عزیزی

که سخت درگیر تدوین شاهنامه‌ای به نثر است

و اهمتامی تمام دارد که متن منظور به به‌شیوه‌ای

نظام‌مند در برابر کلام منظوم قرار دهد، نه

به تفنن که به تعمق، درگیر شده‌ام و بی‌هیچ

مجامله‌ای در این پهن‌دشت رنگارنگ که هم

اسطوره است و هم تاریخ، هم زندگی است و

هم مرگ، هم خرد است و هم بی‌خردی، هم

اندوه است و هم شادی، هم پیروزی است و هم

ناکامی، یافته‌های بسیار داشته‌ام که بی‌اختیار من

را به ستایش واداشته است و دریغم آمد آنچه را

یافته‌ام با فارسی‌زبانان و به‌ویژه هم‌وطنان و قرائر

با جوانان که با حیات ملی خویش بیگانه شده‌اند،

سهیم نشوم.

یکی از این بازیافته‌ها که – شاید- دیگر

شاهنامه‌پژوهان بدان نپرداخته‌اند، بسیاری

مادران خارجی قهرمانان ملی ما هستند که با

وجود آنکه مادرانشان از سرزمینی دیگر و حتی

از سرزمین دشمن‌کیش ایران‌زمین بوده‌اند، اما در

دامان خود به همت پدر و بذر پدرا نه پهل